

ارزیابی پاسخ به جرایم زیست‌محیطی در پرتو حقوق کیفری و جرم‌شناسی سبز

وحید بازوند*

حسین نورمحمدی**

چکیده

طی سالیان اخیر گسترش جرایم زیست‌محیطی و تأثیرات حیاتی آن بر زیست‌طبیعی و انسانی، منجر به ظهور جرم‌شناسی سبز به عنوان یکی از مباحث مهم در علوم جنایی گردید. یکی از مفاهیم مهم در این شاخه از جرم‌شناسی، بزهدیدگی سبز است که به آثار جرایم زیست‌محیطی و راهکارهای پیشگیری از آن اشاره دارد. به زعم جرم‌شناسان این حوزه، جرایم زیست‌محیطی به سبب ماهیت پیچیده و چندبعدی آن‌ها، غالباً توسط مجرمان یقه‌سفید ارتکاب می‌یابد و به سبب شرایط خاص این دسته از مجرمین، کشف جرایم ارتكایی و مقابله با آن‌ها را برای متولیان عدالت کیفری با مشکل مواجه می‌نماید. قاضی صادرکننده رأی مورد نقد با استفاده از آموزه‌های جرم‌شناسی اثبات‌گرا، تیپ مجرمانه متهم پرونده را منطبق با بزهدکاران یقه‌سفید تلقی نموده است و آثار جبران‌ناپذیر اقدامات مجرمانه این افراد را بر محیط زیست تبیین و در نهایت واکنش قضایی سخت‌گیرانه و مشارکت عمومی جامعه در مقابله با جرایم مذکور و پیشگیری از آن را پیشنهاد نموده است. در این مقاله سعی بر بیان این مسئله است که در حقوق کیفری ایران و هم‌چنین در مقررات و معاهدات بین‌المللی، ظرفیت تقنینی لازم برای حفاظت از محیط زیست و مقابله با جرایم زیست‌محیطی وجود دارد، منتهی سیاست جنایی کشور مخصوصاً در بعد قضایی و مشارکتی باید اهتمامی جدی‌تر در این خصوص داشته باشند.

واژگان کلیدی: جرم‌شناسی سبز، مجرمان یقه‌سفید، بزهدیدگی سبز، جرایم زیست‌محیطی، سیاست جنایی پیشگیرانه.

* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران.
vahidbazvand70@gmail.com.

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی علامه طباطبایی، تهران، ایران.
hosein.normohamadi96@gmail.com

تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۲۸ به اتمام می‌رسد، لکن برخلاف تعهد مذکور بر رفع تصرف و توقف فعالیت و علیرغم اخطارهای متعدد سازمان حفاظت از محیط زیست، کماکان بدون توجه به قانون به تصرف، تجاوز و تخریب محیط زیست ادامه می‌دهد تا جایی که اداره محیط زیست شهرستان چگنی در اسفندماه ۱۴۰۰ مجدداً مجبور به طرح شکایت جدید علیه متهم مورد اشاره می‌شود. (البته قبل از طرح شکایت اخیر اداره حفاظت از محیط زیست، سازمان صمت استان لرستان نیز به جهت ادامه فعالیت متهم علی‌رغم اتمام پروانه بهره‌برداری، مستقلاً علیه ایشان طرح شکایت نموده که در نهایت برای نامبرده قرار جلب به دادرسی صادر می‌شود. با این اوصاف متهم از دستور قضایی مبنی بر توقف عملیات استخراج بدون مجوز سنگ معدن به عنوان بخشی از انفال و بیت‌المال تمکین نکرده و ضابطین قضایی نیز علی‌رغم اقدامات و مراجعات مکرر قادر به توقف عملیات بهره‌برداری مذکور نمی‌باشند). در پرونده اسفندماه سال ۱۴۰۰ بازپرس پرونده مجدداً دستور توقیف عملیات و رفع تصرف از محدوده محیط زیست و همزمان احضار متهم را صادر می‌نماید. در اینجا نیز متهم حاضر به تمکین از دستور قاضی و حضور در شعبه نمی‌باشد و همچنین دستورات جلب برای ایشان نیز منجر به دسترسی به ایشان نیست که در نهایت برای وی قرار جلب به دادرسی غیابی صادر می‌شود. رأی مورد بحث از جهات مختلفی از جمله بررسی مقررات داخلی و بین‌المللی پیرامون جرایم زیست‌محیطی و حفاظت از محیط زیست، تحلیل جرم‌شناسانه شخصیت و اقدامات مجرمین یقه سفید و جرایم زیست محیطی و توصیه قاضی صادر کننده به استفاده از سیاست جنایی قضایی قضایی و مشارکتی جهت پیشگیری از چنین جرایمی، با اتکا به قوانین موجود و آموزه‌های دینی و شرعی قابلیت نقد و بررسی دارد.

متن رأی

«در این پرونده شکایتی توسط اداره حفاظت از محیط زیست شهرستان چگنی به نمایندگی قانونی آقای ا. م. علیه متهم آقای ن. ب. فرزند ن با موضوع «تصرف عدوانی از طریق تجاوز به محدوده حفاظت شده محیط زیست و شهرستان چگنی و استقرار لوازم و آثار استخراج از معادن سنگ در محدوده مذکور» مطرح گردیده است. پس از مطالعه بررسی و تدقیق در اوراق و محتویات پرونده و ارزیابی ادله و مستندات پیوست به شرح ذیل ارتکاب بزه فوق‌الاشعار توسط متهم از نظر این مرجع

مرکز و قابل اثبات می‌باشد بدین ایضاح که: الف) اداره حفاظت از محیط زیست شهرستان چگنی طی گزارش شماره ۲۱/۳۸۴ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۰۴ مراتب تصرف عدوانی و تجاوز به محدوده حفاظت شده محیط زیست در منطقه مجاور با معدن به کره چگنی را خطاب به دادستان شهرستان چگنی اعلام جرم نموده است. این اعلام جرم ناشی از مشاهدات میدانی عوامل محیط زیست و پس از تعیین حد و مرز بین معدن سه کره و منطقه حفاظت شده محیط زیست بوده است. با این وصف که مأمورین سازمان محیط زیست وفق ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۱۵ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ با اصلاحات بعدی ضابط «خاص» دادگستری محسوب می‌شوند و گزارش آنان تا زمانی که دلیل قطعی و یقینی بر خلاف آن یافت نشود، از عداد دلایلی به شمار می‌رود که برای ایصال علم قاضی به حقیقت موضوع طریقیست دارد. ب) آن‌چه از مستندات و محتوای پرونده استنباط می‌شود این است که پروانه بهره‌برداری متهم از معدن سنگ سه کره چگنی مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۲۸ به اتمام رسیده است و تا کنون نیز مجوز بهره‌برداری جدید از معدن سنگ از جانب وزارت صمت و شورای عالی معادن کشور برای ایشان صادر نگردیده است؛ با این وجود حضور متهم در منطقه حفاظت شده با بهانه این‌که بهره‌بردار مجاز است و استیلا بر محدوده محیط زیست به عنوان انفال عمومی فاقد توجیه قانونی و منطقی می‌باشد و حتی با فرض داشتن پروانه بهره‌برداری نیز مجوزی جهت تجاوز به محدوده محیط زیست حاصل نمی‌شود پ) متهم در پرونده سابق ایشان به شماره کلاسه ۹۹۰۹۹۸۶۶۲۸۴۰۰۴۱۲ که توسط همین مرجع رسیدگی گردیده است، صراحتاً به حضور و تصرف در محدوده محیط زیست اقرار داشته است و تعهد نموده که از منطقه حفاظت شده محیط زیست (همان منطقه حفاظت شده‌ای که در پرونده حاضر نیز مطرح نظر است) خروج و رفع تصرف می‌نماید. مفاد این اقرار و تعهد نیز به صراحت در متن تصمیم نهایی پرونده کلاسه مذکور منعکس گردیده و پیوست پرونده حاضر نیز می‌باشد، لکن از آن زمان تا کنون (بیش از یک سال شمسی) علی‌رغم اخطارهای مکرر محیط زیست و تشکیل پرونده علیه ایشان از عمل به تعهد کتبی خود سرباز زده است و با بی‌اعتنایی آشکار به قانون و محیط زیست این رفتار مجرمانه و مستمر خود را ادامه داده است که همین امر بیانگر سوءنیت و وجود رکن روانی در بزه ارتكابی متهم می‌باشد. ت) دیگر ادله عبارت‌اند از: ۱- عکس‌های تهیه شده که مبین تصرف

عدوانی و آثار تجاوز در محدوده حفاظت شده محیط زیست می‌باشد. ۲- گزارش تنظیمی و تحقیقات معموله توسط مرجع انتظامی به عنوان ضابط عام دادگستری که همگی حکایت از وجود تصرف و تجاوز به محدوده حفاظت شده محیط زیست دارد. ۳- مفاد نظریه کارشناسی در پرونده سابق طرفین مصون از اعتراض طرفین مانده و مطابق با مفاد آن متهم ۱۷۶۶ متر مربع تجاوز و تصرف داشته است و از آن زمان تاکنون متهم از محدوده تصرفی محیط زیست رفع تصرف به عمل نیاورده است. لازم به ذکر است که هر چند نظریه کارشناس مربوط به پرونده سابق طرفین است، لکن چون پرونده حاضر با پرونده سابق مرتبط بوده و به جهت عدم اجرای تعهد متهم بر رفع تصرف تشکیل گردیده مرتبط می‌باشند. ۴- و سایر نقشه‌های تعیین‌کننده مرز محیط زیست و مستندات مربوطه که همگی پیوست پرونده می‌باشند. همچنین شایسته است با عنایت به اهمیت حفاظت از محیط زیست و تأثیر ویژه بر حیات بشر، رفتار مجرمانه متهم مختصراً از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرد. ۱- از منظر قوانین داخلی و بین‌المللی: اهمیت دیده‌بانی و حفاظت از محیط زیست به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تضمین‌کننده زیست و حیات انسان‌ها به حدی است که سیاست جنایی تقنینی کشور مبادرت به پیش‌بینی و تصویب قوانین متعددی در این زمینه نموده است. برخی از این قوانین عبارت‌اند از: قانون اساسی (اصل پنجاهم: در جمهوری اسلامی حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی روبه رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است)، قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ با اصلاحات بعدی، قانون شکار و صید ۱۳۴۶ با اصلاحات بعدی که هرگونه اقدام تهدیدکننده محیط زیست را ممنوع و دارای ضمانت اجراهای کیفری و مدنی دانسته است. همچنین مضاف بر این موارد، قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ که در ماده ۶۹۰ این قانون تصرف یا تجاوز به محدوده محیط زیست را جرم تلقی و واجد ضمانت اجرای کیفری دانسته است، به نحوی که علی‌رغم تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹ که موجب کاهش و تخفیف در بسیاری از مجازات‌های حبس تعزیری گردیده، لکن در رابطه با تصرف عدوانی املاک عمومی و دولتی مانند محدوده محیط زیست مجازات بالعکس از لحاظ کیفی تشدید و تبدیل به جرم از نوع غیر قابل گذشت گردیده است. این امر

بیانگر سیاست کیفری سخت‌گیرانه مقنن در برخورد با متصرفین عدوانی و متجاوزین به محدوده محیط زیست و منابع طبیعی و ... می باشد. در سطح فراملی نیز بسیاری از کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی در زمینه زیست‌محیطی پیش‌بینی که اهم آن‌ها بعد از کنفرانس استکهلم سوئد در سال ۱۹۷۲ میلادی (با موضوع جوّ زمین، اکوسیستم‌های دریایی و زمینی، حاکمیت زیست‌محیطی و توسعه اقتصادی سبز) تصویب شده است. کشور ایران نیز در بسیاری از این کنوانسیون‌ها عضویت دارد و با در نظر داشتن ماده ۹ قانون مدنی ایران، مفاد این معاهدات برای کشور ایران در صورت عضویت در حکم قوانین داخلی بوده و الزام‌آور می‌باشد. بنابراین حفاظت از محیط زیست علاوه بر قوانین داخلی دارای پشتوانه بین‌المللی نیز می باشد. ۲- **تحلیل جرم‌شناختی:** با بررسی سوابق بزهداران متهم و پرونده‌های متعدد علیه ایشان در رابطه با تصرف و تخریب مکرر مناطق زیست‌محیطی و معادن دولتی، شخصیت مجرمانه ایشان با تیپ شخصیتی مجرمین یقه سفید (criminals white collar) قابل انطباق است. به این معنی که این افراد از منظر جرم‌شناسی دارای ظرفیت اجتماعی و استعداد مجرمانه بالا و همچنین دارای انطباق‌پذیری اجتماعی بالایی نیز می‌باشند و همچنین این اصطلاح بر اشخاصی دلالت دارد که با استفاده از موقعیت اجتماعی یا ثروت یا قدرت خود سوء استفاده نموده و مرتکب جرایم با خصیصه غالباً مالی گردند. متهم این پرونده در پرونده‌های سابق و حاضر از دستورات قانونی تخلف و سرپیچی نموده و سپس از طریق ارتباط‌گیری با برخی افراد ذی‌نفوذ سعی در منحرف نمودن روند پرونده‌های مرتبط با ایشان می‌نماید که این موارد به راحتی قابلیت بررسی دارد. این تیپ از مجرمین نسبت به مجرمین عادی علیه اجتماع و اموال عمومی و دولتی تهدید جدی‌تری محسوب می‌شوند، زیرا که باتوجه به ابزار و نفوذی که در اختیار داشته برخوردار قانونی با این افراد را دشوار می‌نماید؛ همچنین گستره آسیب‌های فردی و اجتماعی این دسته از مجرمین به مراتب بسیار بیشتر از جرم ارتكابی توسط یک مجرم عادی باشد؛ بنابراین راهکار پیشنهادی جرم‌شناسان جهت مقابله با جرایم ارتكابی این بزهداران پیش‌بینی مجازات‌های جدی با کمترین ارفاق و هم‌چنین اعمال محدودیت‌های قانونی در دسترسی ایشان به ابزار ارتكاب جرم (مانند سلب صلاحیت و ممنوعیت دریافت مجوز بهره‌برداری از معادن دولتی، تا در نتیجه فعالیت‌های معدنی غیرمجاز، محیط زیست تصرف یا تخریب نگردد) یا محدودیت در

دسترسی به موضوع جرم (عدم حضور مطلق ایشان در محدوده محیط زیست) می‌باشد. بدین سبب از متولیان دستگاه عدالت کیفری نیز انتظار اعمال و اجرای قانون در قبال چنین مجرمینی می‌رود که با سودای کسب منافع شخصی متهورانه اقدام به نابودی و ویرانی محیط زیست می‌نمایند، نه آن‌که نسبت به رفتارهای مجرمانه این دسته از بزهکاران اغماض و قصور نمایند. ۳ دیدگاه شرع: در شریعت اسلام مراقبت از یکدیگر در جامعه با عنوان امر به معروف و نهی از منکر تلقی می‌شود و بلاشک محافظت و مراقبت از محیط زیست از شئون زندگی اجتماعی است و مشمول ادله امر به معروف و نهی از منکر می‌شود. خداوند متعال در قرآن کریم و آیه ۱۱۶ سوره هود می‌فرماید: «فَلَوْلَا كَانِ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَةَ يَنَهُونَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ كَانُوا مُجْرِمِينَ»، به این معنا که «پس چرا از نسل‌های پیش از شما خردمندانی نبودند که مردم را از فساد در زمین بازدارند؟ جز اندکی از کسانی که از میان آنان نجاتشان دادیم و کسانی که ستم کردند و به دنبال ناز و نعمتی که در آن بودند رفتند و آنان بزهکاران بودند». منظور از فساد در حقیقت فسادهای تشریعی است که به دست بشر پدید می‌آید. از جمله واضح‌ترین فسادها در نعمت‌های خدادادی زمانی است که بشر برای برآوردن خواسته‌های خود در طبیعت تصرف می‌کند؛ تصرفی ویرانگر که بدون در نظر گرفتن قوانین حاکم بر طبیعت و محیط زیست صورت می‌گیرد. به همین سبب ضروری است که جلوگیری از تصرف و تخریب و فساد در محیط زیست که اسلام بر آن تاکید دارد به عنوان یک مسئولیت اجتماعی قلمداد شود و از اهم مصادیق امر به معروف و نهی از منکر دانسته شود. در نهایت با ملحوظ دانستن ادله مورد اشاره در شق ابتدایی رأی، ارتکاب بزه پیش‌گفته از جانب متهم محرز و مسلم می‌باشد؛ لذا با استناد به ماده ۲۶۵ و ماده ۶۹۰ از قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ و ماده ۲۶۵ قانون قرار جلب به دادرسی غیابی نامبرده صادر و اعلام می‌گردد. قرار اصداری پس از موافقت دادستان محترم قطعی می‌باشد.»

۲. تحلیل شکلی و محتوایی رأی

رأی صادره توسط بازپرس از دو جنبه شکلی و نگارشی و همچنین محتوایی، یعنی از منظر حقوق کیفری و جرم‌شناسی سبب قابلیت نقد و تحلیل دارد که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱.۲. از جنبه شکلی و نحوه نگارش رأی

در رابطه با نقاط قوت رأی می‌توان به نکات متعددی اشاره نمود. به عنوان مثال بازپرس نگارنده رأی قبل از ورود به مباحث اصلی و استدلالی، در ابتدای رأی با ذکر مقدمه‌ای سعی نموده است که ذهن خواننده را با موضوع پرونده و فضای حاکم بر آن آشنا سازد. به نظر می‌رسد که این روش مخصوصاً در پرونده‌های مهم و پیچیده و به منظور سهولت فهم مفاد رأی برای خواننده، اقدام موثری تلقی می‌گردد. نکته مثبت دیگر آن که در نگارش رأی نظم در دسته‌بندی مطالب و طی نمودن سیر منظم و منطقی در استنادات قانونی و استدلال‌های نگارنده رأی مشهود می‌باشد. این سبک از نگارش مخصوصاً در آرای طولانی سبب می‌شود که خواننده هنگام قرائت متن رأی دچار سردرگمی و ابهام نگردد و پیوستگی و سیر منطقی از ابتدا تا انتهای رأی حفظ شود.

همچنین در رأی مورد بحث شاهد توضیحات کافی بازپرس در ذیل هر دلیل و مستند قانونی می‌باشیم؛ امری که به علت کثرت پرونده‌ها و عدم وقت کافی برای قضات تحقیق در دادسراهای کشور به نسبت محاکم کیفری کمتر مشاهده می‌گردد. به همین سبب بسیاری از دادسراهای کشور به جهت ارائه آمار عملکردی مثبت در پایان هرماه بالاجبار می‌بایست مبادرت به مختومه نمودن تعداد کثیری از پرونده‌های تحت رسیدگی نمایند که همین امر موجب کیفیت پایین و مبهم بودن مفاد بسیاری از آرای صادره می‌شود. جرم‌شناسان از این پدیده با عنوان مک دونالدیزه کردن^۱ حقوق کیفری تعبیر می‌نمایند. این اصطلاح ابتدا توسط جامعه‌شناس آمریکایی جرج ریتزر^۲ به کار گرفته شد که به یک فرآیند اداری اشاره دارد که در آن اصول فست فود در سایر زمینه‌ها از جمله عدالت کیفری اعمال می‌شود.

جرم‌شناسان معتقدند که نظام عدالت کیفری نیز در یک فرایند یکسان و از پیش تعیین شده بدون در نظر داشتن دقیق تغییر در نوع مجازات و واکنش متناسب به رفتار هر مجرم، به تلاش برای کنترل جرم و مجرمان می‌پردازد. برای نمونه می‌توان به مجازات‌های استاندارد شده، یا دستورالعمل‌های اجرای احکام و

1. McDonaldization.

2. George Ritzer.

فناوری‌هایی مانند نظارت الکترونیک و سیستم‌های کامپیوتری ردیابی مجرم به جای نظارت انسان‌ها در نظام کیفری اشاره نمود. (Shichor, 1997:472)

از دیگر نقاط قوت، سلیس و روان بودن ادبیات نگارش رأی می‌باشد. قاضی نگارنده با ظرافت خاصی در عین به‌کارگیری الفاظ و عبارات حقوقی سعی نموده از مغلق و نامفهوم بودن متن رأی فاصله گرفته، به نحوی که هر شخص دارای سواد بدون مشقت قادر به خواندن و فهم مفاد رأی باشد. بدون تردید فرض بر آن است که در محاکم دادگستری اعم از دادسرا و دادگاه‌ها یک رأی قانونی جهت فصل خصومت دو طرف پرونده مرتبط صادر می‌شود و مخاطب رأی همین افراد هستند که غالباً تحصيلات حقوقی ندارند و به همین سبب می‌بایست مفاد رأی برای ایشان قابل فهم باشد تا بعداً بتوانند نسبت به آن اعتراض و یا تمکین نمایند.

در مقابل رأی نیز دارای ضعف و کاستی‌هایی است که مهم‌ترین آن‌ها شامل توضیح ناقص و نارسای برخی اصطلاحات مانند مجرم یقه سفید و تیپ و شخصیت مجرمانه می‌باشد. در بالا اشاره گردید که مخاطب اصلی رأی طرفین پرونده می‌باشند، از این رو مفاد آن برای این اشخاص نباید ایجاد مشکل نماید. در این رأی اصطلاحات مذکور به صورت کلی ذکر شده‌اند، اما توضیح لازم در خصوص مفهوم این عبارات و اصطلاحات ارائه نشده است. البته شاید درمقابل این ایراد نیز به این شکل پاسخ داده شود که اولاً، الزامی وجود ندارد که طرفین پرونده مانند قاضی صادرکننده رأی به متن رأی و عبارات و اصطلاحات حقوقی اشراف و تسلط کامل داشته باشد و چه بسا مخاطب قاضی دادسرا نه طرفین پرونده، بلکه در واقع قاضی دادگاه کیفری می‌باشد تا ایشان در زمان صدور حکم، شخصیت مجرمانه و شرایط جرم ارتكابی را در تعیین بهترین پاسخ قضایی مدنظر قرار دهد؛ کما این‌که قاضی دادسرا برخی پاسخ‌های متناسب مانند سلب صلاحیت و ممنوعیت دریافت مجوز بهره‌برداری برای متهم یا عدم حضور مطلق ایشان در محدوده محیط زیست پیشنهاد نموده است. ثانیاً، در یک رأی قضایی مانند پژوهش‌های علمی، تفسیر و تحلیل تفصیلی اصطلاحات تخصصی حقوقی و جرم‌شناسی معمول نیست؛ زیرا ۱- چنین تحلیل‌های موسع و غیرضروری از ظرفیت و حوصله آرای قضایی خارج است. ۲- برفرض اگر چنین اقدامی نیز صورت پذیرد، از مسیر اصلی و رسالت قاضی که همان استناد قانونی و استدلال حقوقی در صدور رأی است، خارج می‌باشد.

۲.۲. از حیث محتوای رأی

رأی موضوع این مقاله مانند سایر آرای صادره از محاکم قضایی علاوه بر چارچوب شکلی دارای ویژگی‌هایی ماهوی نیز می‌باشد که در ادامه مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. قاضی نگارنده علاوه بر پرداختن به ماهیت کیفری رأی از منظر قوانین موضوعه داخلی، قواعد و مقررات بین‌المللی مرتبط با جرم زیست‌محیطی موضوع پرونده را مستمسک خود در نگارش رأی قرار داده است که به نوبه خود حائز اهمیت می‌باشد؛ زیرا که محیط زیست تنها به یک شخص خاص مانند شخص حقوقی سازمان حفاظت از محیط زیست یا جغرافیای درون مرزی یک کشور تعلق نداشته و تخریب و تجاوز به آن تهدیدی جدی علیه حیات کل بشریت محسوب می‌شود. بنابراین این رفتار یک جرم فراملی نیز محسوب می‌شود. همچنین در رأی، از زاویه و دیدگاه جرم‌شناسی به طور کلی به شخصیت مجرم پرداخته شده است و آثار اقدامات این دسته از مجرمین بر محیط زیست نیز تشریح شده است. استفاده از مبانی جرم‌شناسی در آرای کیفری می‌تواند در تشخیص شخصیت مجرم و تعیین بهترین واکنش مثرترم واقع شود، به گونه‌ای که اهداف سیاست جنایی از جمله مقوله پیشگیری از تکرار جرم و کاهش و کنترل جرم نیز اجرایی شود. جنبه‌های ماهوی رأی به ترتیب و به شرح آتی تحلیل خواهد گردید.

۱.۲.۲. جرایم زیست‌محیطی در آیین تفتیش و مقررات

بدون تردید بسیاری از رفتارهایی که سبب تخریب یا تهدید جدی علیه محیط زیست تلقی می‌گردند، در قوانین داخلی جرم‌انگاری و به سبب اهمیت فراملی آن نیز در کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی، تدابیری جهت جلوگیری از تخریب و نابودی آن پیش‌بینی گردیده است.

در تعریف جرم زیست‌محیطی، هر نوع فعلی یا ترک فعلی را گویند که باعث ورود آسیب و صدمه شدید به محیط زیست و به خطر افتادن جدی سلامت بشر می‌شود. محیط زیست به طور کلی دربرگیرنده محیطی است که انسان و حیوان در آن زندگی می‌کند و به این اعتبار جرایم ارتكابی علیه نباتات و حیوانات، به نوعی به انسان باز می‌گردد؛ چرا که نهایتاً این انسان است که از منابع طبیعی یعنی حیوانات و نباتات استفاده می‌کند. با تعریف مذکور جرم‌انگاری اعمالی که علیه نباتات و

حیوانات صورت می‌گیرد، در مقام حمایت از انسانی است که در این محیط زندگی می‌کند و محیط نیز اعم از محیط زمینی و دریایی و هوایی است و به‌طور کلی قانون‌گذار در مقام تأمین آرامش و آسایش و رفاه برای موجود انسانی است که بهره‌بردار نهایی محیط زیست است.

جرایم زیست‌محیطی به طور کلی و با توجه به ماهیت به دو گروه عمده تقسیم‌بندی می‌گردد. الف) جرایم ارتكابی نسبت به جانداران محیط زیست منهای انسان، که شامل کلیه جانداران گیاهی و حیوانی می‌شود. ب) جرایم ارتكابی نسبت به عناصر بی‌جان محیط زیست از قبیل آب وهوا، خاک، صدا و آلودگی‌های شیمیایی.

در بخش‌های پیش رو جرایم زیست‌محیطی با محوریت جرم موضوع رأی مورد نقد، در قوانین داخلی و بین‌المللی بررسی می‌شود.

۱.۱.۲.۲. انعکاس در قوانین ایران

در قوانین ایران، جرایم علیه محیط زیست در قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و برخی قوانین خاص دیگر مانند قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳، قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ و ... پیش‌بینی شده است.

به موجب اصل پنجاهم قانون اساسی ایران که مفاد آن عیناً در متن رأی مورد بحث مرقوم شده است، حفاظت از محیط زیست یک وظیفه عمومی و همگانی است و هرگونه فعالیت‌هایی که منجر به تخریب یا آلودگی آن شود، ممنوع اعلام شده است.

همچنین تهدید علیه بهداشت عمومی که می‌تواند از مصادیق تهدید علیه محیط زیست نیز باشد، طبق ماده ۶۸۸ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ جرم‌انگاری و مصادیق تمثیلی آن بیان شده است.^۱ تبصره ۲ همین

۱. ماده ۶۸۸ ق.م.ا. ۱۳۷۵: «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیر بهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیر مجاز دام، استفاده غیر مجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می‌باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد.»

ماده نیز مبادرت به تعریف آلودگی محیط زیست می‌نماید. به این شرح که «منظور از آلودگی محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد». ماده ۶۹۰ قانون مذکور^۱ نیز هرگونه تخریب، تجاوز، تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق را نسبت به محیط زیست جرم انگاری نموده است. به نحوی که به موجب ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹ نیز این جرم از نظر کیفی تشدید و تبدیل به جرم غیرقابل گذشت شده است.

بسیاری از قوانین خاص دیگر نیز که در آن‌ها جرایم علیه محیط زیست پیش‌بینی گردیده که مهم‌ترین قوانین در این زمینه به شرح ذیل می‌باشد:

۱- قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ با اصلاحات بعدی. این قانون پیرامون حفاظت و جلوگیری از تخریب و برهم خوردن تعادل محیط زیست و امور مربوط به جانوران وحشی و آبزیان آب‌های داخلی می‌باشد. آلوده ساختن محیط زیست طبق ماده ۱۰ این قانون به این شرح تعریف گردیده است: «منظور از آلوده ساختن محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی یا شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طور زیان‌آور به حال انسان یا سایر موجودات زنده و یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد تغییر دهد». همچنین وظایف سازمان حفاظت محیط زیست به عنوان متولی خاص اجرای مفاد این قانون تشریح شده است. ۲- قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ با اصلاحات بعدی. شامل تعاریف و اصطلاحات مربوط به درختان، جنگل‌ها و مراتع، نحوه حفاظت و بهره‌برداری از این منابع، جرایم و مجازات‌های مربوط به این منابع طبیعی و مقررات مختلف دیگر می‌باشد.

۳- قانون حفاظت از خاک. زمان تصویب این قانون سال ۱۳۹۸ است و به موجب آن تدابیری جهت حفاظت از خاک به منظور جلوگیری از نابودی، کاهش باروری،

۱. ماده ۶۹۰ ق.م.ا. ۱۳۷۵: «هرکس ... بدون اجازه سازمان حفاظت محیط زیست یا مراجع ذیصلاح دیگر مبادرت به عملیاتی نماید که موجب تخریب محیط زیست و منابع طبیعی گردد یا اقدام به هرگونه تجاوز و تصرف عدوانی یا ایجاد مزاحمت یا ممانعت از حق در موارد مذکور نماید به مجازات یک ماه تا یکسال حبس محکوم می‌شود ...».

اسیدی شدن، افزایش نمک و آلودگی‌های شیمیایی دیگر خاک پیش‌بینی شده است. همچنین در برخی مواد برای اشخاص مستنکف از اجرای مفاد این قانون، مجازات‌های جزای نقدی در نظر گرفته شده است. در این فهرست به صورت مختصر تنها بخشی از قوانین محیط زیست در ایران ارائه گردید، با این اوصاف قوانین و مقررات دیگری وجود دارند که به محیط زیست و حفاظت از آن مربوط می‌شوند لکن به جهت عدم ارتباط مستقیم با موضوع بحث ما از ذکر و تشریح آن‌ها صرف‌نظر می‌گردد.

در نهایت آن‌چه موضوع اصلی رأی است استخراج و بهره‌برداری غیرقانونی معدن، به عنوان یکی از مصادیقی است که می‌تواند تأثیرات جدی و نامطلوبی بر محیط زیست داشته باشد. این عواقب و آثار نامطلوب را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

۱- تخریب منابع طبیعی: استخراج غیرقانونی معدن غالباً به همراه تخریب منابع طبیعی صورت می‌گیرد. معمولاً این نوع استخراج باعث بریدن درختان و نابودی گیاهان و جانوران محلی شده و همچنین باعث از بین رفتن زیستگاه‌های طبیعی و کاهش تنوع زیستی می‌شود. در پرونده مربوط به رأی مورد بحث نیز محل استقرار معدن سنگی که شخص مجرم در آن فعالیت غیرقانونی داشته، دقیقاً در رشته کوه زاگرس با پوشش متراکم درختان بلوط واقع می‌باشد که در نتیجه فعالیت‌های استخراج از معدن، پوشش جنگلی و گیاهی و زیست‌گاه‌های جانوری مناطق حفاظت شده محیط زیست تخریب شده است.

۲- آلودگی آب و خاک: استخراج معدن غیرقانونی معمولاً باعث آلودگی آب و خاک می‌شود. به این نحو که فرآیندهای استخراج معدن ممکن است باعث ورود مواد شیمیایی آلوده به آب و خاک شود که می‌تواند به کشته شدن جانداران آبرزی و گیاهان و نیز آلودگی منابع آبی و خاکی بیاندازد.

۳- تخریب مناطق زیستی حساس: استخراج معدن غیرقانونی ممکن است در مناطق زیستی حساس انجام شود که معمولاً دارای تنوع زیستی بالا هستند. این عمل می‌تواند به نابودی اکوسیستم‌های حساسی مانند جنگل‌ها، مرتع‌ها و آب‌گردها منجر شود. در پرونده مورد بحث و پرونده‌های مرتبط دیگر گزارشاتی از اداره حفاظت از محیط زیست شهرستان چگنی ارائه گردیده بود

که حکایت از تخریب چشمه‌های طبیعی در نتیجه فعالیت‌های غیرقانونی استخراج معدن داشت، که به عنوان منبع اصلی آبشخور حیوانات و جانوران منطقه حفاظت شده آن محل تلقی می‌گردید.

۴- تخریب منابع آبی: استخراج معدن غیرقانونی می‌تواند به تخریب منابع آبی منطقه منجر شود. برای استخراج معدن، معمولاً نیاز به استفاده از آب برای شست‌وشو مواد معدنی است. این مصرف آب می‌تواند منابع آبی محلی را به خطر بیندازد و باعث کاهش تامین آب برای جامعه محلی شود.

۵- تأثیرات بر تغییرات آب و هوا: استخراج معدن غیرقانونی ممکن است تأثیراتی بر تغییرات آب و هوا داشته باشد. فرآیندهای استخراج معدن ممکن است باعث افزایش گازهای گلخانه‌ای و آلودگی هوا شود که به تغییرات آب و هوایی منطقه و حتی جهانی منجر می‌شود. برای نمونه در رابطه با معدن مذکور، شکایاتی توسط اهلی ساکن روستاهای همجوار معدن مطرح گردیده با این عنوان که فعالیت‌های غیرقانونی معدن منجر به آلودگی هوا، آلودگی صوتی و تخریب منازل ایشان در اثر انفجارهای مکرر به منظور استخراج سنگ معدن شده است، به نحوی که این شرایط منجر به مهاجرت بسیاری از اهالی این روستاها به مناطق دیگر گردیده است.

در نتیجه استخراج غیرقانونی از معدن به اشکال مذکور می‌تواند باعث تخریب محیط زیست شود. همچنین مشخص گردید که ظرفیت تقنینی لازم جهت مقابله و جلوگیری از ارتکاب جرایم زیست‌محیطی نیز وجود دارد و قاضی نگارنده در رأی به درستی به بسیاری از این نصوص قانونی استناد نموده است؛ از این رو ضروری است در مرحله کیفرگزینی توسط قضات و همچنین سازمان حفاظت محیط زیست به عنوان متولی اجرای قوانین زیست‌محیطی و هم به عنوان ضابط خاص دادگستری، اقدامات جدی‌تری برای مقابله با بهره‌برداری و استخراج غیرقانونی معدن و حفاظت از محیط زیست انجام شود.

۲.۱.۲.۲. مقررات برون مرزی

رشد روزافزون آلودگی، تخریب و بروز بحران‌های زیست‌محیطی طی چهار دهه قبل سبب گردید دول مختلف در سطح بین‌الملل به طور جدی به دنبال

راهکارهایی جهت رفع این مسائل و معضلات باشند. بدین ترتیب تاکنون حدود ۲۸۰ معاهده و موافقت‌نامه بین‌المللی و منطقه‌ای در زمینه حفاظت محیط زیست و مسائل مرتبط با آن منعقد شده است که از این میان حدود ۷۰ کنوانسیون و پروتکل جنبه جهانی داشته و مابقی منطقه‌ای است. عزم جهانی برای حفاظت محیط زیست با تشکیل نخستین کنفرانس جهانی سازمان ملل متحد درباره انسان و محیط زیست معروف به «کنوانسیون استکهلم» در سال ۱۹۷۲ در سوئد جنبه عینی پیدا کرد، به طوری که حق برخورداری انسان از محیط زیست سالم هم‌تراز با حقوق بشر شناخته شد. هدف اصلی کنفرانس استکهلم، تأکید بر اهمیت حفاظت از محیط زیست و تعیین استراتژی‌های جهانی برای مقابله با چالش‌های زیست‌محیطی بود. در این کنفرانس، مفهوم توسعه پایدار و نیاز به تعادل بین توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط زیست مورد تأکید قرار گرفت و همچنین توافق‌نامه استکهلم شامل ۲۶ ماده برای حفاظت از محیط زیست تصویب شد. کنفرانس استکهلم و توافق‌نامه آن، به عنوان اساسی‌ترین سند بین‌المللی در حوزه محیط زیست شناخته می‌شود و تأثیر بسزایی در تدوین سیاست‌ها و قوانین محیط زیست در سطح بین‌المللی داشته است. همچنین این کنفرانس، راهبردی برای کنفرانس‌های بعدی محیط‌زیستی مانند کنفرانس ریو (۱۹۹۲) و کنفرانس پاریس (۲۰۱۵) به شمار می‌رود. ایران به عنوان یکی از کشورهای عضو سازمان ملل متحد، حق عضویت در کنفرانس استکهلم را دارد.

در ادامه تنها به ذکر چند مورد مهم دیگر از مقررات فراملی در رابطه با حفاظت از محیط زیست بسنده می‌کنیم:

۱- توافق‌نامه کنوانسیون رامسر: این توافق‌نامه در سال ۱۹۷۱ توسط سازمان ملل متحد تصویب شد و به حفاظت از مناطق مرطوب جهان می‌پردازد. این توافق‌نامه شامل قوانین و مقرراتی در زمینه حفاظت و مدیریت مناطق مرطوب، حفاظت از گونه‌های مهاجر پرندگان و غیره است.

۲- توافق‌نامه برنامه محیط‌زیستی سازمان ملل متحد: این توافق‌نامه در سال ۱۹۷۲ تشکیل شد و مقرراتی را برای حفاظت از محیط زیست جهانی تعیین می‌کند. این توافق‌نامه شامل قوانین و مقرراتی در زمینه تغییرات آب و هوا، حفاظت از گونه‌ها و اکوسیستم‌ها، مدیریت پسماندها و غیره می‌شود.

۳- توافقنامه پاریس: این توافقنامه در سال ۲۰۱۵ توسط کشورهای عضو سازمان ملل متحد تصویب شد و به کاهش گازهای گلخانه‌ای و مبارزه با تغییرات آب و هوا می‌پردازد. این توافقنامه شامل قوانین و مقرراتی در زمینه کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، توسعه انرژی پایدار و غیره است. این فهرست تنها بخشی از قوانین و مقررات بین‌المللی جرایم محیط زیست است و هنوز قوانین و مقررات دیگری وجود دارند که به حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از جرایم محیط زیستی مربوط می‌شوند.

قاضی نگارنده رأی در بخش استنادات تقنینی علاوه بر نص کیفری مربوط به تخریب و تجاوز به محیط زیست، جهت نشان دادن اهمیت حفاظت از محیط زیست و برخورد جدی با تهدیدات علیه این فضا، به اصل ۵۰ قانون اساسی ایران و مفاد کنوانسیون بین‌المللی استکهلم که ایران نیز در آن عضویت دارد استناد نموده است و از این طریق به اهمیت بنیادی و فرا مرزی حفظ محیط زیست نیز اشاره داشته است؛ امری که در آرای قضایی کمتر شاهد آن هستیم. اقدام قاضی در متن رأی مبنی بر آن که جرم موضوع پرونده را با دیدگاهی موسع و جهان‌شمول تحلیل و تفسیر نموده است، از نقاط قوت رأی به شما می‌رود.

۲.۲.۲. تحلیل جرم‌شناسانه

رأی حاضر علاوه بر جنبه‌های حقوق کیفری، واجد ابعاد جرم‌شناختی نیز می‌باشد. این جنبه‌ها شامل «جرم‌شناسی سبز»^۱، «مجرمان یقه‌سفید»^۲، «بزه‌دیدگی سبز»^۳ و سیاست جنایی پیشگیرانه در قبال جرایم زیست‌محیطی می‌باشد. در ابتدا باید عنوان داشت که جرائم سبز یا جرائم زیست‌محیطی به هرگونه رفتار زیان بار علیه محیط زیست اعم از طبیعی و انسانی، تلقی می‌شود. طبق یک تعریف دیگر نیز «جرم‌شناسی سبز که به عنوان جرم‌شناسی زیست‌محیطی نیز شناخته می‌شود، نشان‌دهنده شاخه‌ای از جرم‌شناسی است که در مورد جرم‌انگاری آسیب‌های زیست‌محیطی و پدیده‌های مربوط به آن مطالعه می‌نماید» (Emmons and others, 2011: 577) البته تعابیر مختلفی از

1. Green criminology.
2. White collar criminals.
3. Green victimization.

جرم‌شناسی سبز یا جرم زیست‌محیطی ارائه شده است. به نظر برخی از جرم‌شناسان، جرم زیست‌محیطی تنها در بستر تعاریف مضیق و قانونی شکل می‌گیرد و به نظر برخی دیگر، هرگونه آسیب به محیط زیست و حیوانات صرف‌نظر از وضعیت و تعریف قانونی آن باید جرم زیست‌محیطی تلقی گردد. (محسنی فرید، ۱۳۹۷: ۴۶۰) اهمیت این حوزه مطالعاتی در دهه ۱۹۹۰ میلادی بیش از پیش گردید و قوانین مرتبط با آن نیز عمدتاً در این دهه شکل گرفتند.

ویژگی‌های خاص مربوط به جرائم زیست‌محیطی، جرم‌شناسان را بر آن داشته تا شاخه مطالعاتی جدید با عنوان «جرم‌شناسی سبز» یا «جرم‌شناسی زیست‌محیطی»^۱ را ایجاد کنند. این خصیصه‌ها شامل ماهیت پیچیده و چندبعدی، غیرمستقیم بودن نتایج جرائم زیست‌محیطی و خارج از دید عموم جامعه بودن جرائم زیست‌محیطی می‌باشد. از این رو به سبب ویژگی‌های مورد اشاره در جرم‌شناسی سبز، قبل از مقابله و پیشگیری از جرم، ابتدا باید در مقام علت‌شناسی جرایم زیست‌محیطی، تدابیری خاص شناسایی که در ذیل به برخی نمونه‌های آن اشاره می‌شود: ۱. شناسایی و تحلیل عوامل موثر در ایجاد جرایم محیط زیست، شامل شناسایی عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی که ممکن است بر جرایم محیط زیست تأثیرگذار باشند. ۲. تشخیص الگوها و روابط جرمی در جرایم محیط زیست و استفاده از آن‌ها برای پیشگیری از جرم. ۳. تدوین راهکارهای پیشگیری و مداخله، شامل تدوین قوانین و مقررات مؤثر، ارتقای آگاهی عمومی، تشویق به رفتارهای محیط‌زیستی مثبت و تدابیر اجرایی. ۴. ارزیابی تأثیر جرایم محیط زیست؛ مانند ارزیابی اثرات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی جرایم محیط زیست و استفاده از آن‌ها برای تعیین اولویت‌ها و تخصیص منابع.

در بررسی کلی، جرم‌شناسی سبز به علت‌شناسی جرایم زیست‌محیطی، ابعاد و ماهیت پیچیده، گستره آسیب‌های ناشی از این جرایم و شناخت بهتر روش‌ها و راهکارهای پیشگیرانه از جرایم مذکور می‌پردازد. قاضی صادرکننده رأی نیز علاوه بر انجام وظیفه قضایی که همان صدور رأی بر مبنای مستندات قانونی و ادله

پرونده می‌باشد، در قالب یک رأی قضایی سعی نموده است سایر ابعاد و تبعات زیان‌بار و گسترده جرایم زیست‌محیطی را در صورت عدم اقدام و تدابیر لازم، خطاب به حاکمیت و عموم مردم جامعه، تنذیر و تشریح نماید.

۱.۲.۲.۲. بزه‌دیدگی سبز و ارتباط با بزهکاران یقه‌سفید

در ادامه توضیحات بند قبل پیرامون جرم‌شناسی سبز، ضروری است مفهوم خاص بزه‌دیدگی یا بزه‌دیده‌شناسی سبز^۱ نیز مدنظر قرار گیرد. بزه‌دیدگی سبز یا بزه‌دیده‌شناسی سبز یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی سبز است که هدف آن بررسی و مطالعه این موضوع است که جرم‌های زیست‌محیطی و تخریب محیط زیست چه تأثیراتی بر جامعه و افراد دارند و چگونه می‌توان این تأثیرات را بهبود بخشید. این شاخه از جرم‌شناسی در دهه ۱۹۹۰ میلادی با رویکردی انتقادی از نظام عدالت کیفری و در تقابل با بزه‌دیده‌شناسی متعارف پدید آمده است. (شاملو و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۷)

برخی جرم‌شناسان با اتکا بر دیدگاه‌های انسان‌مدارانه^۲ جرایم زیست‌محیطی را در زمره جرایم بدون بزه‌دیده^۳ قرار می‌دهند. (Sollund and others, 2016: 6) به همین سبب شاید یکی از مهم‌ترین علل پیدایش و ظهور بزه‌دیده‌شناسی سبز را می‌توان در نادیده انگاشتن بزه‌دیدگی موجودات غیرانسان دانست (صیفی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۴۲).

با ذکر مقدمه مختصر فوق، رویکرد جرم‌شناسی سبز بر این اعتقاد است که بزه‌دیدگی سبز با جرایم بزهکاران یقه‌سفید در ارتباط است. در بند قبل از این مقاله اشاره شد که یکی از ویژگی‌های جرائم زیست‌محیطی، چند بعدی بودن آن است. این موضوع زمانی واضح‌تر می‌شود که غالب مرتکبان این جرم نمایندگان شرکت‌های کلان یا سایر اشخاص حقوقی هستند و در جهت دستیابی به اهداف و اغراض خود یا شرکت یا سازمان متبوع دست به ارتکاب جرم می‌زنند. جرم‌شناسان سبز، جرائم زیست‌محیطی را بر جرائم یقه‌سفید منطبق و از مصادیق آن می‌دانند. اصطلاح جرم یقه‌سفیدها را برای نخستین بار ادوین ساترلند^۴ در سال ۱۹۴۹

1. Green victimology.
2. Anthropocentric approach.
3. Victimless crimes.
4. Edvin Sutherland

میلادی در کتابی با همین نام مورد استفاده قرار داد و شامل جرایمی می‌شود که شخص قابل احترام و برخوردار از یک موقعیت عالی اجتماعی به اعتبار حوزه نفوذ و تصرف خود مرتکب آن می‌شود. (نجفی ابرند آبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۷: ۲۹۴-۲۹۳) جرائم یقه‌سفید برخلاف جرائم خیابانی و سنتی، بدون استفاده از خشونت صورت می‌گیرد و به اعتبار بهره‌گیری از توان فکری و ذهنی و یا نفوذ و اعتباری این افراد نزد مقامات حاکمیتی دارند، کمتر گرفتار تبعات جزایی سیستم عدالت کیفری می‌گردند. در پاره‌ای موارد مجرمان یقه‌سفید با اعمال نفوذ در نظام حکومتی اقدام به پاره‌ای اقدامات سودجویانه غیرمجاز می‌کنند که منجر به صدمه به محیط زیست بشری می‌شود.

قاضی نگارنده رأی نیز در بخش تحلیل جرم‌شناختی از طریق سوابق متعدد کیفری و نوع جرایم و پرونده‌های سابق مجرم و سپس ادعای تلاش‌های نامبرده جهت اعمال نفوذ از طریق برخی افراد ذی‌منصب، تیپ مجرمانه^۱ وی را از نوع یقه‌سفید معرفی می‌نماید. سپس نحوه اقدام این دسته از مجرمین و میزان تهدیدات و خطرات ناشی از اقدامات ایشان را علیه محیط زیست تقریر نموده و در نهایت راه کارهای عملی از نوع واکنش‌های قضایی متنوع و متناسب را به مقامات قضایی دادگاه پیشنهاد می‌نماید. به تعبیر دیگر قاضی ابتدا در حد وسع و گنجایش یک رأی قضایی با استفاده از آموزه‌های جرم‌شناسی نظری نسبت به علت‌شناسی جرایم زیست‌محیطی (جرایم سبز) و شخصیت‌شناسی مجرم در پرونده مربوطه اقدام می‌نماید، سپس بر مبنای جرم‌شناسی کاربردی سعی در تبیین راهکارهای عملی جهت پیشگیری از تکرار جرم توسط مجرم، می‌نماید.

۲.۲.۲. سیاست جنایی مرتبط با جرایم سبز

قبل از ورود به بحث باید گفت که اصطلاح سیاست جنایی برای اولین بار توسط آنسيلم فون فوئرباخ^۲ در کتاب حقوق کیفری او که در سال ۱۸۰۳ میلادی منتشر گردید به کار برده شد. از نظر او سیاست جنایی «مجموعه شیوه‌های سرکوب‌گرانه‌ای که دولت با استفاده از آن‌ها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد»

1. Criminal type

2. Anselm von Feuerbach.

می‌باشد. (کونانی و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۹) این تعریف شامل تعریف مضیق از سیاست جنایی می‌گردد و برای پیشگیری از جرم بر روش کیفری آن تأکید دارد. در مقابل تعریف موسع از سیاست جنایی توسط خانم دلماس مارتی ارائه شده است که شامل سیاست‌های کیفری و غیر کیفری (پیشگیرانه) می‌شود. در تعریف وی چنین آمده است: «سیاست جنایی مجموعه شیوه‌های است که هیئت اجتماع با استفاده از آن‌ها پاسخ‌هایی علیه پدیده مجرمانه را سازمان می‌دهد (مارتی، ۱۳۸۱: ۵۹) که در واقع سیاست کیفری و غیر کیفری در آن نهفته است. سیاست جنایی پیشگیرانه (غیر کیفری) نیز اقدامات و استراتژی‌هایی است که برای کاهش و پیشگیری از وقوع جرایم در جامعه اتخاذ می‌شود. این سیاست‌ها معمولاً شامل تدابیر قانونی، آموزشی، اجتماعی و اقتصادی است که هدف آن‌ها جلوگیری از وقوع جرم و کاهش اثرات منفی آن بر جامعه است (همایی چراغی و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۴۲). بستر تقنینی اجرای این سیاست پیشگیرانه نیز در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی ایران پیش‌بینی شده است.

در رأی مورد نقد، قاضی به منظور پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی، به کارگیری سیاست جنایی هم در مفهوم مضیق (کیفری) از طریق دستگاه قضایی و هم در مفهوم موسع از طریق مشارکت عموم جامعه را مؤثر تلقی نموده است. منظور از مفهوم اول، همان سیاست جنایی قضایی در مورد جرایم محیط‌زیستی است که شامل اجرای قوانین و مقررات مربوط به حفاظت از محیط زیست است. در این راستا از طریق واکنش کیفری، کاهش جرایم محیط زیست و پیشگیری از تکرار جرم، مجازات تخلفات محیط زیستی و افزایش نظارت و بازرسی بر فعالیت‌های محیط زیستی مورد تأکید قرار می‌گیرد. در رأی مذکور قاضی بر این اعتقاد است که با توجه به سوابق و اقدامات متهم پرونده که نشان از ظرفیت جنایی بالای ایشان در جرایم زیست‌محیطی دارد، سیاست‌های ارفاقی و اصلاحی در مورد ایشان مؤثر نبوده و لذا نظام عدالت کیفری می‌بایست سیاست کیفری سخت‌گیرانه مانند ابطال پروانه بهره‌برداری و محدودیت در دسترسی به انفال عمومی و منابع معدنی را در خصوص وی اعمال و اجرا نماید. از نظر نگارندگان با توجه به بررسی سوابق و پرونده‌های متعدد متهم در رابطه با جرایم سبز و

شخصیت‌شناسی ایشان توسط بازپرس پرونده و همچنین این‌که تشکیل پرونده‌های سابق و ارفاقات صورت گرفته تأثیری در اصلاح مجرم و بازدارندگی از جرم نداشته است، دیدگاه بازپرس مبتنی بر واکنش قضایی سخت‌گیرانه صواب به نظر می‌رسد. بازپرس در فراز نهایی رأی، حفاظت از محیط زیست را برای آحاد جامعه به عنوان یک مسئولیت اجتماعی قلمداد می‌نماید و اجرای این مقصود را برای عموم جامعه، از طریق مواردی مانند امر به معروف و نهی از منکر که دارای صبغه شرعی است، توصیه می‌نماید. آنچه در این قسمت مدنظر بازپرس می‌باشد، در واقع همان سیاست جنایی مشارکتی به معنای مشارکت و همکاری افراد و سازمان‌ها در پیشگیری از جرایم علیه محیط زیست است. اعمال سیاست جنایی مشارکتی در مقام پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی، می‌تواند شامل موارد ذیل شود:

- ۱- آگاهی بخشی عمومی و اجتماعی پیرامون مسائل زیست‌محیطی، که می‌تواند سبب همکاری و مشارکت اشخاص در پیشگیری از جرایم سبز شود.
- ۲- آموزش و آماده‌سازی افراد و سازمان‌های مردم‌نهاد به منظور کاهش تخلفات زیست‌محیطی و مراقبت از این منابع خدادادی. ۳- پیش‌بینی تسهیلات و سیاست‌های تشویقی برای افراد و سازمان‌هایی که نسبت به رعایت مقررات زیست‌محیطی اهتمام جدی داشته باشند. ۴- ایجاد تمهیداتی مانند تشکیل کمیته‌ها و گروه‌های هماهنگی، تعیین وظایف و مسئولیت‌های مشترک، به منظور ارتقاء سطح همکاری و هماهنگی بین نهادها و سازمان‌های مختلف در زمینه حفاظت از محیط زیست. به طور کلی، سیاست جنایی مشارکتی در زمینه جرایم زیست‌محیطی بر این اصل تأکید دارد که حفاظت از محیط زیست مسئولیت مشترکی است که نیازمند همکاری و مشارکت همه افراد و سازمان‌ها است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی گردید با محوریت رأی موضوع نقد، جرم‌شناسی سبز و ارتباط بزه‌دیدگی سبز با جرایم بزهکاران یقه‌سفید تحلیل گردد و همچنین ابعاد پیچیده جرایم زیست‌محیطی و چالش‌های مقابله با بزهکاران یقه‌سفید نیز تبیین شود. با بررسی سیاست جنایی تقنینی کشور و هم‌چنین مقررات بین‌المللی شاهد آن هستیم که مخصوصاً در حوزه حقوق کیفری، ظرفیت تقنینی لازم جهت مقابله با جرایم زیست‌محیطی وجود دارد؛ لکن اگر بعضاً ضعف و کاست‌هایی نیز در این زمینه مشخص می‌شود بیشتر مربوط به مرحله اجرای قوانین کیفری توسط دستگاه عدالت کیفری می‌باشد. البته ناگفته نماند که در مواردی نیز عدم انجام وظایف قانونی و ترک فعل سازمان‌های مربوطه (مانند سازمان حفاظت از محیط زیست و سازمان منابع طبیعی و آب‌خیزداری) و مدیران آن‌ها نیز بیانگر آن است که وظیفه پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی که غالباً مستلزم اقدامات کنشی و پیشگیرانه از جانب این نهادها بوده، نادیده گرفته می‌شود. هم‌چنین به نظر می‌رسد که در واکنش قضایی به جرایم سبز بزهکاران یقه‌سفید هر پاسخ کیفری متناسب نمی‌باشد، بلکه واکنش باید سخت‌گیرانه و محدودکننده دسترسی این دسته از مجرمین به منابع طبیعی و زیست‌محیطی باشد. ضمناً اقدامات کنشی پیشگیرانه دیگر در قالب مشارکت عمومی افراد جامعه و سازمان‌های مردم‌نهاد در حفاظت از محیط زیست تا حد زیادی می‌تواند در پیشگیری از جرایم سبز مؤثر واقع شود.

فهرست منابع

- دلماس، مارتی (۱۳۸۱)، **نظام‌های بزرگ سیاست جنایی**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- کونانی سلمان، انصاری جمال و مندنی اسلام (۱۴۰۰)، **سیاست جنایی (از گفتمان تا برساخت‌هایی ریزومیک شده و ناروا)**، چاپ سوم، تهران: انتشارات مجد.
- محسنی، فرید (۱۳۹۷) **نظریه‌های جرم‌شناسی**، چاپ اول، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید (۱۳۹۷)، **دانشنامه جرم‌شناسی**، چاپ پنجم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- شاملو، باقر و احمدی، اصغر و خسرو شاهی، قدرت الله (۱۳۹۶)، «بزه‌دیده‌شناسی سبز»، **فصلنامه پژوهش حقوق کیفری**، دوره ۶، شماره ۲۰.
- صیفی، محمد و دیگران (۱۳۹۸)، «سندروم بزه دیدگی زیست‌محیطی: پاسخی به چرایی ارتکاب رفتارهای آسیب‌رسان به منابع زیرزمینی»، **مجله پژوهش‌نامه حقوق کیفری**، دوره ۱۰، شماره ۲.
- همایی چراغی، پیمان و حبیبی تبار، حسین و قیوم‌زاده، محمود (۱۴۰۱) «سیاست جنایی پیشگیرانه ایران در پرتو حقوق حداقلی انسان‌ها»، **مجله پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی**، دوره ۵۱، شماره ۱۳.